

## مسعود سلطانی فر، وزیر ورزش و جوانان: دومدیر توانمند را از دست داده‌ایم

با تاسف و اندوه فراوان، درگذشت دکتر سیدقتی نوربخش، مدیرعامل و عبدالرحمن تاج‌الدین معاون حقوقی و پارلمانی سازمان تامین اجتماعی را تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال برای عزیزان فقید رحمت و مغفرت و برای عموم بازماندگان داغدار صبر و سلامتی مسئلت می‌کنم. به راستی که از دست دادن این دو مدیر توانمند و ارزشمند، فقدان بزرگی برای جمهوری اسلامی، جامعه کارگری و خانواده بزرگ سازمان تامین اجتماعی است. یادشان گرامی.

## ویسره

یادنامه

# نام نوربخش به نیکی ماندگار می‌شود

### ● یادداشت ●



● اکبر شوکت ●

سخن گفتن و نوشتن درباره فقدان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی آسان نیست. مرحوم نوربخش تنها مدیرعاملی است که از بدنه سازمان تامین اجتماعی انتخاب شده بود و فقدان او برای نمایندگان کارگری که به‌طور دائم با او جلسه و نشست برگزار می‌کردند، سخت است.
ورای بحث‌های مدیریتی مرحوم نوربخش که هم در مقام نظر و هم در عمل، قابل دفاع است، آنچه ویژگی شخصیتی و مدیریتی او را برجسته می‌کند، دلسوزی او نسبت به جامعه بیمه‌شدگان و بازنشستگان بود که زبانزد است. مرحوم نوربخش حمیتی و عرقی متعالی نسبت به سازمان تامین اجتماعی و جامعه کارگری کشور داشت و در سایه همین توجه دلسوزانه و مشفقانه او، جامعه کارگری کمترین بحث و اختلاف‌نظر در مسائل تامین اجتماعی را با مدیریت این سازمان داشتند و این مسئله در تاریخ این سازمان بی‌سابقه است. در بُعد سازمانی در دوره مدیریت مرحوم نوربخش، رابطه همدلانه و نزدیک کارگران و کارفرمایان بیش از هر زمان دیگری در حوزه مسائل سازمان تامین اجتماعی تقویت شد و این موهون توجه و جانبداری ایشان از حق و حقوق کارگران در بزنگاه‌های مختلف است. جامعه کارگری معتقد است زنده‌یاد نوربخش در تمام مسائل مربوط به کار و تولید همیشه سعی می‌کرد حقوق کارگران را وصول کند و حتی برای جلوگیری از تبدیل نیروهای کار و تولید، در جهت

تصویب و اجرایی کردن بخش نامه‌هایی نظیر بخشودگی جرائم بیمه‌ای یا تقسیط بدهی‌های بیمه‌ای کارفرمایان کوشش‌های زیادی در این زمینه کرد. مرحوم نوربخش مسائل و دغدغه‌های کارگران را تا بالاترین سطوح مدیریتی پیگیری می‌کرد و در هیئت‌مدیره و هیئت‌امانی سازمان تامین اجتماعی حضور می‌یافت و از نزدیک بر فرایندهای اجرای سیاست‌ها نظارت می‌کرد. هدف دکتر نوربخش این بود که جامعه کارگری و کارفرمایی کشور در وضع اقتصادی نه‌چندان مساعد کشور کمترین آسیب را ببینند و از این نظر باید گفت جامعه کارگری فردی دلسوز و غمخوار را از دست داده است. به‌رغم اینکه در دوره اخیر مدیریتی دکتر نوربخش ناجوانمردی‌های زیادی علیه سازمان تامین اجتماعی و مخاطبان میلیونی آن صورت می‌گرفت، با این حال ایشان پای رسالت خود در خدمت‌رسانی به سازمان و بیمه‌شدگان ایستادند و از مصالح و منافع برحق جمعیت زیرپوشش آن در برابر بی‌مهری‌های نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف دفاع کرد. به هر حال دکتر نوربخش تعصبی عجیب و شایسته احترام نسبت به اموال بیمه‌شدگان و مستمری‌گیران داشت و کارگران این موضوع را فراموش نمی‌کنند. با اتفاق تلخی که برای مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی و معاون امور حقوقی او در حین ماموریت افتاد، نوربخش در قلب‌ها و اذهان کارگران و بازنشستگان و عموم مردم و کارکنان سازمان تامین اجتماعی ماندگار شد و تا همیشه هم از او به نیکی یاد خواهد شد.

عضو کارگری هیئت امنای سازمان تامین اجتماعی



## پزشکی بانگرانی‌های تاریخی

### ● نگاه ●



● مسعود کوثری ●

همگان دکتر نوربخش را با مشغله‌ها و نگرانی‌هایش درباره بیمه‌شدگان و بازنشستگان می‌شناسند. او چنان طی دو، سه سال گذشته دلمشغول گسترش بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و پرداخت به‌موقع حقوق بازنشستگان بود که کمتر کسی حدس می‌زد او به چیز دیگری هم فکر می‌کند. اما در پس این چهره شناخته‌شده از او، مردی پنهان بود که به تاریخ می‌اندیشید و همواره وضعیت ایران را با نگاهی تاریخی می‌نگریست. برای دکتر نوربخش سخت بود که در میان آن همه غوغای کاری، درباره دغدغه‌های فکری‌اش سخن بگوید و با نهایت احترام، خود را از این کار معاف می‌کرد. او به همه کسانی که در بخش‌های فرهنگی سازمان تامین اجتماعی یا شرکت‌های وابسته کار می‌کردند عمیقاً احترام می‌گذاشت و در بسیاری از جاها برای سخن آنان نسبت به خود اولویت قائل می‌شد. شوق و ذوق او در نمایشگاه کتاب دیدنی بود. هرساله در ایام نمایشگاه کتاب، سری به غرفه انتشارات «علمی و فرهنگی» می‌زد و همگان را به کار



## کتیفو | ۰۷

## در رثای زنده‌یاد نوربخش



● نگاه ●

● علی سرزعی ●

تعصب و حمیتی بود که در امر سازمان تامین اجتماعی و بیمه‌شدگان داشت. یکی از مسائلی که بارها ایشان را آزرده می‌کرد مسئله مطالبات سازمان از صندوق فولاد بود که بار آخر در این رابطه جلسه‌ای تشکیل شد، دکتر نوربخش چنان سرخ شده و حالت عصبی پیدا کرده بود که نگران ایشان شدم. در آن حالت عصبی به‌مخاطب خود می‌گفت به جدم قسم اگر بفهمم این عدم همکاری شما برای چیست، سعی می‌کنم به شما کمک کنم. ولی این عدم همکاری شما را اصلاً نمی‌فهمم! بابت تادیه مطالبات سازمان تامین به هر دری زد تا بتواند آن را در بدوجه سال ۱۳۹۷ وارد کند. این در حالی بود که ایشان حقوق ناچیزی از سازمان تامین اجتماعی دریافت می‌کرد. برای ما واضح بود که ایشان اگر می‌خواست می‌توانست با تخصص بالایی که داشت در عرصه پزشکی درآمد بالایی داشته باشد، ولی برای ایشان سازمان تامین اجتماعی در اولویت بود. چندی قبل در کمیسیون اقتصادی دولت بحث بیمه رانندگان مطرح شد، از قضا، نماینده سازمان برای طرح مسئله و دفاع از مدعیات سازمان در جلسه حاضر نشد. مسئول جلسه سوال کرد که آیا مایلید موضوع را از دستور این هفته خارج کنیم؟ به سرعت شماره موبایل دکتر نوربخش را گرفتم و سوال کردم که آیا در این مسئله حضور ذهن دارید؟ خنده‌ای کرد و گفت معلوم است که دارم و تمام جزئیات را از تر هستم. موبایلم را روی بلندگو و کنار میکروفون گذاشتم. ایشان حدود یک ربع تمام سابقه مسئله را به‌طور کامل تشریح کرد. تسلط ایشان بر مسائل سازمان کم‌نظیر بود.

در کنار همه این مسائل، ایشان به‌رغم گرفتاری شدید همواره در جلسات وزارتخانه، سفرهای وزیر و مناسبت‌ها حاضر می‌شد و گرفتاری‌ها مانع نمی‌شد تا در مسائل وزارتخانه حضورش کم‌رنگ شود. آخرین موضوع، بحث شفافیت بود که ایشان اصرار داشت در برنامه وزیر جدید در اولویت قرار گیرد و تاکید داشت وزیر جدید تعاون، کار و رفاه اجتماعی موضوع شفافیت را ادامه دهد و پیشنهادهایی برای این مسئله نیز داشت. در بحث تحریم هم پیوسته تاکید می‌کرد که باید به صورت فعال‌تری به این موضوع پرداخت و آمادگی خود را برای هرگونه هم‌فکری اعلام کرد. این جانب به‌رغم دوره کوتاهی که توفیق داشتم با ایشان همکاری کنم، جزء ارادتمندان ایشان شدم. خدایش رحمتش کند و با اجداد پاکش محشورش گرداند.

معاون اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

## در سوگ دو فرزند تاثیر گذار

## خانواده تامین اجتماعی



● یادداشت ●

● علیرضا عونی ●

خانواده بزرگ تامین اجتماعی دو تن از مهم‌ترین اعضای خود را از دست داده و به سوگ نشسته است. مرگ دکتر سیدقتی نوربخش و معاون ایشان عبدالرحمن تاج‌الدین، که به‌راستی از زحمت‌کشان و خدمتگزاران تامین اجتماعی بودند برای همه ما خصوصاً آن‌هایی که بیشترین تعامل و سابقه همکاری با ایشان را داشتند غمی بزرگ است. همکاری‌ام با مرحوم دکتر نوربخش در مدیریت عالی سازمان برمی‌گردد به نیمه دوم سال ۱۳۷۶ که در آن سال به سمت عضو هیئت‌مدیره سازمان منصوب شده بود. با توجه به سمت قبلی ایشان که معطوف به مدیریت اجرایی در سطح استان بود تصور اولیه این بود که ایشان در سمت جدید نیاز به کسب تجربه بیشتر دارد، زیرا کار در سمت جدید مستلزم آشنایی لازم و کافی در امور برنامه‌ریزی و مسائل کلان تصمیم‌گیری مناسب در سطح عالی بود. اما آن مرحوم از بدو شروع کار در سمت جدید با علاقه‌مندی، پشتکار بی‌وقفه و توانایی و سواد و تخصصی که داشت، نشان داد از ظرفیت بالا و دانش کافی برخوردار است. علاوه بر حضور آگاهانه و موثر در جلسات هیئت‌مدیره، در اتخاذ تصمیم‌های

عضو علی‌البدل و سابق هیئت‌مدیره سازمان تامین اجتماعی



● به یاد فرزند ●

## فرزندی که متعهد به اخلاق بود

در مراسم ختم زنده‌یاد دکتر سیدقتی نوربخش که روز شنبه در مسجد نور تهران برگزار شد، پدر ایشان متنی را به شرح زیر قرائت کرد:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ». سروران گرامی، بزرگان محترم مجلس، من سیدمرتضی نوربخش پدر سیدقتی نوربخش هستم. قصد تسلیع وقت عزیران را ندارم. سخنران و سخنران هم نیستم، ولی وظیفه اخلاقی، انسانی و اسلامی خود می‌دانم که از طرف خانواده نوربخش و شاهی صمیمانه از این همه محبت و تجلیل از یک پزشک خدمتگزار تشکر کنم. روایتی است منصوب به‌بنی‌اکرم که می‌فرمایند «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» دست‌تک‌بزرگواران را می‌بوسیم و کمال تشکر را داریم. ارزشیابی میزان موفقیت پسرم در سازمان تامین اجتماعی و همچنین به‌عنوان یک پزشک متخصص ارتوپدی از عهده این جانب خارج است و کارشناسان و جامعه پزشکی و اصولاً تاریخ در این مورد قضاوت خواهد کرد، ولی این نکته برایم حائز اهمیت است که خدمات او به‌عنوان یک ایثارگر چه در جبهه جنگ و چه در عرصه خدمات پزشکی و اجتماعی نمونه‌بارزی از یک پزشک متعهد و معتقد به اخلاق پزشکی بوده است. او به بیمار احترام می‌گذاشت و بدون انگیزه‌های مادی همیشه در خدمت به بیمار، همچنین خدمت به جامعه پزشکی و جامعه کارگری بود و اعتقاد داشت همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب معتقدند ما باید به درجه‌ای از پیشرفت و اعتلای پزشکی برسیم که بیمار به جز درد خود دغدغه‌ای نداشته باشد.

سیدمرتضی نوربخش



● یادداشت ●

● عباس اورنگ ●

## خنده‌هایی که در یک مطب محقر می‌پیچید!

در هفته‌ای که گذشت شاهد اتفاق و تلخی در حوزه رفاه و تامین اجتماعی بودیم که شاید تلخ‌ترین، نه در هفته‌یامه جاری بلکه در چندسال گذشته بود. درگذشت تاثیر بر انگیز دکتر سیدقتی نوربخش، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی و مرحوم تاج‌الدین، معاون حقوقی و امور مجلس ایشان در ماموریت کاری بود که با هدف کلنگ‌زنی بیمارستانی در گرگان انجام شده‌بود. شاید اگر امکانات بیمارستانی در استان‌های مختلف به حد نیاز توزیع و توسعه یافته‌بود، هرگز ضرورت انجام این قریب ماموریت‌ها نبود. با این حال این سفر مهم و بی‌پارکشت در آغازین هفته وزارت آقای شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام شد تا محصل این سفر علاوه بر اینکه موجب خدمتی برای مردم محروم و رنج کشیده گلستان باشد، جمع کثیری از دوستان و همکاران مرحوم دکتر نوربخش را برای همیشه در حسرت دیدار بگذارد و البته جمع زیادی از بیمارانی که در درمانگاه حرم عبدالعظیم حسنی یا مطب محقر او در کارگر شمالی همواره به انتظار او بودند، شاید قسمت نبود این درمندان خنده‌های بلند نوربخش را بشنوند و با این خنده‌های مهر‌بانانه‌های اتاق عمل شوند. مرحوم در حرفه پزشکی، شخصیتی کاملاً متفاوت داشت. آخرین باری که از درد مفصل زانو رنج می‌بردم پیامکی برای دکتر ارسال کردم، در کمتر از چند دقیقه بعد، فردی تماس گرفت و خود را منشی مطب معرفی کرد و گفت، دکتر در اولین فرصت منتظر شماست. بعد از تنظیم وقت، راهی مطب دکتر شدم. ابتدا تصور کردم در انتخاب مطب اشتباه کرده‌ام، اما با ورود به محوطه، صدای خنده‌ای را شنیدم که آشنا بود. باورم نمی‌شد مطب ساده و محقری داشته باشد، مطبی که واقعا محل طبابت بوده نه دکان تجارت. بدون شک دعای بیمارانش بفرقه راهش در سفری خواهد شد که به همراه مرحوم عبدالرحمان تاج‌الدین، یکی از بی‌تکلف‌ترین مردان جامعه کارگری در پیش گرفت.

کارشناس تامین اجتماعی